

# کمپانی های نفتی و بحران اقتصادی؛ دستمایه ادغام شرکت های نفتی



سپیدا زمانی

▼ سقوط بهای نفت تنها منجر به زیان اقتصاد کشورهای تولید کننده نفت نشده است، بلکه شرکت های بزرگ نفتی نیز میلیاردها دلار ضرر کرده اند.

اژانس بین المللی انرژی (IEA) در گزارشی اعلام کرده که جهان، تا سال ۲۰۳۰ به سرمایه گذاری بیش از ۲۶ تریلیون دلاری در بخش تامین انرژی نیاز خواهد داشت که این رقم نزدیک به دو برابر تولید داخلی سالانه آمریکا خواهد بود.

به عنوان نمونه، صنعت نفت و پتروشیمی چین از زیان ۱۷ میلیارد و ۵۸۰ میلیون دلاری شرکت ها و پالایشگاه های نفتی این کشور در ۹ ماه نخست سال گذشته خبر داد که این روند نزولی همچنان ادامه داشته است.

چین بیسسال، کارشناس موسسه "پی ان سی" در این باره اظهار داشت: درآمد صنعت جهانی نفت طی سال ۲۰۰۹ به شدت کاهش خواهد یافت و این مساله به ویژه در بخش های تولید و اکتشاف بیشتر به چشم می خورد. در عین حال، تونی هایورد، مدیرعامل شرکت نفتی انگلیسی "بریتیش پترولیوم" گفت، با توجه به کاهش بهای نفت احتمالاً، شرکت های بزرگ نفتی با شرکت های دولتی ادغام خواهند شد.

به گفته وی، با توجه به چالش کنونی بازار نفت که دستیابی به منابع مالی است، بنابراین منطقی به نظر می رسد شرکت های بزرگ نفتی که فناوری و تجربه بالایی دارند با شرکت های نفتی دولتی که منابع مالی در اختیار دارند، ادغام شوند.

هایورد در حالی بر ادغام شرکت های بزرگ نفتی تاکید دارد که شرکت های نفتی دولتی در کشورهایی مانند کویت، مکزیک، و روسیه کنترل بخش زیادی از منابع نفتی این کشورها را در اختیار دارند.

این در حالی است که اکونومیست نیز چندی پیش در تازه ترین تحلیل خود پیرامون ادغام شرکت های بزرگ بین المللی نفتی، در مقاله ای در این باره نوشت: وقتی شرایط دشواری پدید می آید، آنهایی که قدرت خرید بالاتری دارند، اقدام به خرید کمپانی های بحران زده

زیادی از این پول ها خرج شده است ولی اثرات توری آن همچنان باقی خواهد ماند.

مسعود احمد با اشاره به تاثیر مخرب بحران اقتصادی روی اقتصاد امارات متحده عربی تاکید کرد: «بازار سهام دبی در سال گذشته تحت تاثیر بحران اقتصادی غرب قرار گرفت و ارزش آن سقوط کرد. بازار مسکن این کشور

راکد شد و از شمار توریست های تجاری و تفریحی در این کشور کاسته شد. دبی مثال خوبی برای کشورهای خاورمیانه است و نشان می دهد حتی اقتصادی

که با آن سرعت در حال توسعه بود و بازاریایی که با نرخ رشد می کردند هم از بحران مصون نیستند. یکی از بازارهای بسیار آسیب پذیر بازار مسکن در کشورهای خاورمیانه است که انتظار می رود بیشترین آسیب را متحمل شود.

تاثیر این بحران در بازار مسکن اغلب کشورهای خاورمیانه مشاهده شده است و با توجه به کمبود نقدینگی در این کشورها - به دلیل تنزل درآمد نفتی که بیشتر از ۸۰ درصد درآمد آنها را تشکیل می دهد - اصلاح این بازار در سال جاری بسیار غیرمحمتمل خواهد بود.»

وی با اشاره به کاهش شمار توریست ها در کشورهایی مثل اردن و مصر گفت: «اقتصاد این کشورها وابستگی زیادی به درآمد صنعت توریسم دارد، پس بحران کنونی اقتصاد این کشورها را هم تحت تاثیر قرار داد.» صندوق بین المللی پول پیش بینی می کند در سال ۲۰۰۹ میلادی ارزش تولید ناخالص داخلی شش کشور عضو شورای همکاری خلیج فارس با نرخ ۱/۳ درصد رشد کند در حالی که پیش از آن نرخ رشد اقتصادی این کشورها برابر با ۲/۶ درصد اعلام شده بود.

با وجود اینکه باور عمومی بر تاثیر پذیری اندک اقتصاد این کشورها از بحران است، ولی پیش بینی می شود در سال ۲۰۰۹ میلادی ارزش تولید ناخالص داخلی عربستان سعودی - بزرگترین اقتصاد دنیای عرب - با نرخ ۰/۹ درصد کاهش یابد. اقتصاد کشور کویت در سال جاری میلادی با نرخ ۱/۱ درصد و اقتصاد امارات متحده عربی با نرخ ۰/۶ درصد منقبض خواهد شد.

صندوق بین المللی پول به کشورهای جهان پیشنهاد می کند به هزینه های مصرفی خود در دوران افول اقتصادی ادامه دهند، زیرا کاهش هزینه های مصرفی سبب تشدید روند انقباضی اقتصاد می شود. اصلاح بازار کار و ایجاد فرصت های تازه برای جوانان این کشورها از دیگر کارهایی است که می تواند زمینه را برای اصلاح اقتصاد فراهم کند. ▲



بانک ها بالا است و به این بخش کمک می کند تا بتواند به بهترین نحو ایفای نقش کند، ولی تجربه کشورهای توسعه یافته در جریان بحران اقتصادی نشان داد که زیاد نمی توان به نظام بانکی امیدوار بود زیرا این نظام متاثر از شرایط اقتصادی است و با وقوع بحران اقتصادی امکان عملکرد بهینه خود را از دست می دهد.

رییس مرکز مطالعات خاورمیانه صندوق بین المللی پول در مصاحبه ای با فایننشال تایمز اعلام کرد: «ما به تمامی کشورهای خاورمیانه به خصوص کشورهای نفت خیز توصیه کردیم که در سال جاری نظارت دقیقی بر عملکرد نظام مالی خود داشته باشند و هر گاه اختلالی کوچک را در اقتصاد مشاهده کردند، سریعاً وارد عمل شوند. به خصوص اگر شاهد رشد میزان بدهی های نظام بانکی بودند بدانند که اولین جرقه های بحران در اقتصاد آنها روشن شده است.

مختار حسین، رییس مرکز مطالعاتی بانک اچ اس بی سی بر این باور است که وقوع رکودی مشابه رکود دنیای غرب در کشورهای خاورمیانه غیرمحمتمل است.

این کشورها در نیمه دوم سال جاری با تنزل ارزش تولید ناخالص داخلی و کاهش درآمد روبه رو می شوند و از سال آینده دوباره رونق را تجربه می کنند، ولی هیچ گاه انقباضی به شدت انقباض کشورهای صنعتی را در اقتصاد خود شاهد نخواهند بود.

صندوق بین المللی پول در گزارش اخیر خود به کشورهای خاورمیانه توصیه کرده است تا بودجه لازم برای تزریق به اقتصاد را فراهم کنند و بدانند اجرای این طرح در نیمه دوم سال جاری ضروری است.

این مرکز با اشاره به احتمال افزایش تورم در کشورهای خاورمیانه در سال آینده تاکید کرد: دنیا با مشکلات زیادی روبه رو است که برخی از آنها تعدیل شده است و برخی همچنان وجود دارد.

انتظار می رود بحران اقتصادی کشورهای خاورمیانه همراه با افزایش تورم باشد زیرا برخی از دولت ها به جای استفاده از درآمدهای کلان نفتی در سال گذشته این پول ها را صرف هزینه های مصرفی کردند. البته سهم

صنعت نفت به سرعت این منابع نامتعارف را می‌خرد؛ زیرا به احتمال زیاد، مالکان اصلی آنها، توانایی پرداخت هزینه‌های اجرای پروژه‌ها را ندارند.

این در حالی است که هفته نامه "پترولیوم اینتلیجنس" نیز در مقاله ای کوتاه در این زمینه نوشت: چنانچه روند رکود اقتصادی جهان و کاهش قیمت نفت ادامه یابد، بحران شرکتهای بزرگ نفتی جهان رنگ و بوی جدی تری به خود خواهد گرفت.

در واقع و بر اساس این گزارش، با توجه به کاهش ۴۵ درصدی بهای نفت طی ماههای اخیر، شرکتهای بزرگ نفتی جهان باید در استراتژی‌های بلند مدت خود تجدید نظر کنند. افزایش قیمت نفت طی سالهای اخیر سود سرشاری را عاید شرکتهای بزرگ نفتی جهان و سهامداران آنها کرده است. ولی به همان نسبت، کاهش چشمگیر بهای این ماده سوختی نیز طی ماههای اخیر به شدت مقامات شرکتهای نفتی و سرمایه گذاران و سهامداران آنها را نگران کرده است.

ارزش سهام شرکت "اکسون موبیل" آمریکا از ژانویه تا کنون بیش از ۱۷ درصد کاهش داشته است که این بدترین عملکرد این شرکت از سال ۱۹۸۱ به شمار می رود. شرکتهای "روپال داچ شل"، "بریتیش پترولیوم" و "شل"، "توتال" و "کونوکو فیلیپس" نیز طی این مدت با کاهش چشمگیر ارزش سهام خود، رو به رو شده اند.

به اعتقاد کارشناسان و تحلیلگران، شرکتهای نفتی بزرگ جهان باید با تغییر در استراتژی های خود، جلوی این روند، یعنی کاهش بیشتر قیمت سهام را بگیرند. شرکتهای بزرگ نفتی جهان باید با انتشار گزارش مربوط به رشد تولید و ذخایر خود، از سقوط ارزش سهام جلوگیری کنند. این در حالی است که بحرانهای اخیر مالی و کاهش قیمت نفت، برخی از شرکتهای نفتی را به فکر ادغام انداخته است. شرکتهای بزرگ نفتی آمریکای شمالی در حال بررسی پیشنهاد ادغام در یکدیگر هستند. با این حال، شیپان می‌گوید احتمال این که غولهای صنعت نفت همانند سالهای دشوار دهه ۱۹۹۰، درصد خرید یکدیگر برآیند، بسیار بعید است. اولاً آنها آنقدر بزرگ هستند که ادغامهای بیشتر و بزرگتر شدن آنها می‌تواند نگرانی‌های رقابتی را افزایش دهد.

علاوه بر این، به استثناء اکسون موبیل که اندوخته‌ای چند ده میلیارد دلاری برای آینده دارد، دیگر غولهای نفتی فقط تلاش می‌کنند تا بر حجم نقدینگی خود بیافزایند. در عوض ممکن است شرکتهای متوسط در کانون توجه کمپانی‌های بزرگ قرار گیرند. در این زمینه شایعات فراوانی وجود دارد.

بعنوان مثال، شایعه پیشنهاد خرید شرکت "سانتوس" - از شرکتهای استرالیایی با چندین پروژه گاز مایع و طبیعی در حال اجرا - بر سر زبان‌ها است. غولهای نفتی غربی تنها خریدارانی نیستند که در کمین نشسته‌اند؛ در سالهای اخیر شرکتهای نفتی دولتی از کشورهایی نظیر چین و هند هم جاه‌طلبی‌های خود را در این زمینه، به خوبی به نمایش گذاشته‌اند.▲

منابع: اکونومیست، پترولیوم اینتلیجنس، دویچه وله

اساس آنچه اخیراً اعلام شده است، پیشنهاد خرید شرکت "یو تی اس انرژی" - از شرکتهای کوچکی که یکی از شرکای پترو کانادا در پروژه فورت هیلز است - را مطرح کرده است. این در حالی است که برخی از کارشناسان نفتی بر این عقیده اند که بیشتر شرکتهای بزرگ نفتی جهان طی سال ۲۰۰۹ برای تامین مالی پروژههای خود با مشکل رو به رو خواهند شد.

بنابر این گزارش، دستیابی به منابع مالی برای تامین هزینههای پروژههای انرژی و افزایش سطح کارایی و بهره‌وری، دو دغدغه مهم و بزرگ شرکتهای بزرگ نفتی جهان در سال ۲۰۰۹ به شمار می‌رود. با توجه به این مساله، تامین نقدینگی مورد نیاز برای اجرای این پروژهها از مهمترین اولویت شرکتهای نفتی به شمار می‌رود.

نوسانات شدید بهای نفت طی ماههای اخیر نیز تصمیم‌گیری درباره اجرای بسیاری از پروژههای نفتی جهان را با تاخیر رو به رو کرده است. کاهش تقاضا موجب افت شدید قیمت انرژی شده است و این مساله به ضرر پروژههای نفتی خواهد بود.

بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی انرژی، تقاضای جهانی انرژی تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۵۰ درصد افزایش خواهد یافت. اگر این پیش‌بینی درست باشد، به این معنی است که مصرف جهانی انرژی طی ۵۰ سال آینده بیشترین رکورد را در تاریخ اقتصادی جهان ثبت خواهد کرد.

در حال حاضر انرژی‌های فسیلی همچنان نقش مهم و محوری در تامین تقاضای جهانی انرژی داشته و دارند. بنابراین دستیابی به منابع نفت و گاز طی سال‌های آینده مشکل‌تر خواهد شد و هزینه تولید نفت و گاز نیز به مراتب افزایش خواهد یافت.

کشورهایی مانند عربستان، روسیه، چین، ونزوئلا، برزیل و مالزی که ذخایر بزرگ انرژی در اختیار دارند، محدودیت‌های بیشتری را برای دستیابی شرکتهای بین‌المللی به ذخایر نفت و گاز خود ایجاد خواهند کرد.

همین منطق را می‌توان در مورد اعمال کنترل و ادغام شرکتهای تولید متان از ذغال سنگ هم به کار برد؛ این شرکتهای از ذخایر ذغال سنگ، گاز طبیعی استخراج می‌کنند.

"بی‌جی"، از کمپانی‌های گازی انگلیسی، اخیراً موفق شده است شرکت استرالیایی استحصال متان "پی ای آر" را به بهایی نزدیک به ۷۵۰ میلیون دلار خریداری کند. سال گذشته این شرکت ۶ میلیون دلار استرالیا هم، برای خریداری یک شرکت گازی دیگر موسوم به "کونینزلند گاز" پرداخت. "کونوکوفیلیپس" و "شل" هم در زمینه استحصال متان از ذغال سنگ، سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی کرده‌اند.

کریس شیپان، از موسسه پژوهشی "آی اچ اس هرالده" معتقد است بیش از ۴۰ درصد از این ادغام‌های انجام شده در بازار نفت و گاز طی سال گذشته و با شروع بحران اقتصادی، صرف منابع "نامتعارفی" همچون ماسه های نفتی و استحصال متان از ذغال سنگ شده است. وی معتقد است، باید انتظار معاملات بیشتری از این دست را در سال جاری داشته باشیم، چرا که غولهای

می‌کنند. این همان فلسفه‌ای است که غولهای صنعت نفت آخرین بار با سقوط قیمت محصولات خود در اواخر دهه ۱۹۹۰، به اهمیت آن پی بردند. با کاهش بهای نفت، دست اندرکاران به این نتیجه رسیدند که جستجو برای اکتشاف نفت دیگر همانند گذشته سود سرشاری ندارد و با در نظر گرفتن سقوط قیمت سهام شرکتهای، در کمین رقبا نشست، ساده‌تر و پرمفعت‌تر است!!

بدنبال پیگیری چنین ماجراهایی بود که "اکسون موبیل"، "شورون"، "بی‌بی" و "توتال" از درون دیگر شرکتهای نفتی متولد شدند. شاید به همین خاطر بود که وقتی "سانکور" و "پترو کانادا"، دو شرکت بزرگ نفتی کانادایی، اواخر ماه مارس از یک ادغام ۸/۱۵ میلیون دلاری پرده برداشتند، گمانه‌هایی مبنی بر به راه افتادن یک جریان دیگر از این معاملات مطوف به ادغام، قوت گرفت. ادغام این دو شرکت کانادایی، بزرگترین ادغام شرکتهای صنعت نفت، از سال ۲۰۰۶ میلادی به بعد است.

مدیران "سانکور" و "پترو کانادا" معتقدند این ادغام به آنها کمک می‌کند، در این شرایط دشوار در برابر بحران مقاومت کنند روسای این دو شرکت معتقدند که از این طریق می‌توانند هر سال ۳۰۰ میلیون دلار از هزینه‌های عملیاتی و یک میلیارد دلار نیز از هزینه‌های سرمایه‌های خود بکاهند. این کاهش هزینه‌ها بیش از هر چیز مرهون سرمایه‌گذاری‌های تکمیلی این دو شرکت در زمینه ماسه های نفتی در کانادا است؛ جایی که نفت کشف شده به‌طور عجیبی ناخالص و سنگین است و فرآوری آن هم هزینه‌های سنگینی در پی دارد.

این دو شرکت طرحی برای بهره‌گیری اشتراکی از خطوط لوله و دیگر زیرساخت‌ها در تاسیسات کنونی و همین‌طور برای آینده تدوین کرده‌اند.

این دو کمپانی همچنین امیدوارند که ادغام آنها به کاهش تورم در مناطقی که دارای ماسه های نفتی است، کمک کند. زمانی که بهای نفت به گونه‌ای بی‌سابقه افزایش یافته بود، توسعه پروژههای جدید هزینه‌های سرسام‌آوری را به این شرکتهای تحمیل می‌کرد. پس از آن که هزینه یکی از پروژههای توسعه پترو کانادا موسوم به "فورت هیلز" فقط در مدت یک سال از ۱۴ میلیون به ۲۵ میلیون دلار افزایش یافت، این شرکت اخیراً مجبور شد اجرای این پروژه را به تعویق بیندازد.

آنها معتقدند این ادغام به کاهش مجدد هزینه‌ها از طریق تعدیل کارگران و بخشی از امکانات کمک خواهد کرد. طبیعتاً اجرای پروژههای عملیاتی در مناطقی که ماسه های نفتی وجود دارد، از اهداف محوری این ادغام بوده است.

اجرای این پروژهها هزینه‌های فراوانی دارد و مسلماً با کاهش بهای نفت، بیش از پیش، متحمل هزینه های ناخواسته خواهند شد. در واقع، با وضعیت کنونی قیمت‌های نفت، شرکتهایی که در این مناطق فعالیت می‌کنند برای گسترش منابع مالی خود به شدت در تلاش هستند. اما چنین مناطقی در کانادا همچنان فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری خواهد بود، چون امکان سرمایه‌گذاری درازمدت در یک کشور با ثبات را به سرمایه‌گذاران می‌دهد، چیزی که در بازار امروز نفت بسیار کمیاب است. به همین خاطر است که توتال بر